

وقتي کسی سخته مغزی میکند

روي صندلي چرخ دار، فلج شدن نيمی از بدن و از دست دادن قدرت صحبت کردن، می‌توانند نتیجه یک سخته مغزی سخت باشند. چه اتفاقی در مغز رخ می‌دهد؟ آیا بدن قبل از آن علائمی را نشان می‌دهد؟

برای هرکسی اتفاق می‌افتد، در هر سنی، هر جایی و هر زمانی: سخته مغزی. به معنای واقعی کلمه ناگهانی رخ می‌دهد، حتی زمانی که دارای علائمی هست. خارش در بازوها و پاها، مشکل در صحبت کردن و فلج شدن قسمتی از صورت. اما این علائم همیشه درست تشخیص داده نمی‌شوند. آیا این یک سخته مغزی است؟ متخصصان دو نوع (سخته) را تشخیص داده‌اند، به گفته پروفیسور «یواخیم روتر» از کلینیک «آلتونا» در «هامبورگ»: "۸۰٪ در صد از سخته کمبود خون رنج می‌برند."

منظور از کمبود خون همان بسته شدن راه خون است. در این مورد یک رگ مسدود می‌شود و بافت‌های مغز به طور کامل توسط خون تغذیه نمی‌شوند و این بافت‌ها نابود می‌شوند. این یک انفارکتوس است. در خونریزی مغزی (برعکس نوع اول) یک رگ پاره می‌شود و از آن خون به بافت‌های مغزی سرازیر می‌شود. هر دو نوع می‌توانند غیرقابل درمان باشند. یک سوم بیماران که سخته کرده‌اند، ناتوان (معلول) می‌شوند و به کمک دیگران در ادامه زندگی احتیاج دارند.

آلمان تحقیقات فشرده‌ای انجام می‌دهد

تنها در آلمان سالانه ۲۶۰/۰۰۰ نفر، یکبار سخته می‌کنند. درکشورهای صنعتی این سومین علت شایع مرگ و میر است. در جهان هر روز افراد بیشتری دچار این مشکل میشوند. یک نمونه از آن هند است که تعداد سخته‌های مغزی طی تنها هشت سال در این کشور تقریباً دوبرابر شده است. دیابت، اضافه وزن، فشارخون بالا، سیگار و همچنین استرس به عنوان عوامل اصلی در بروز سخته مغزی شناخته می‌شوند و این بیماری‌های شایع در همه جای دنیا وجود دارند. در نتیجه تحقیق‌های جهانی در این زمینه‌ها بسیار مهم هستند.

به گفته «یواخیم روتر»: "آلمان طی ده تا بیست سال اخیر در درمان سخته مغزی بسیار قوی شده." به گفته او تعداد زیادی دانشکده پزشکی در زمینه تحقیقات پیرامون سخته مغزی فعال بوده‌اند. این تحقیقات شامل مواردی بوده‌اند که مثلاً در آنها بافت مغز بعد از یک سخته قوی متورم و باعث فشار بر روی بافت سالم باقی‌مانده شده است. در ادامه این خطر وجود دارد که بیمار بر اثر این اتفاق بمیرد.

به گفته «روتر»: "از آلمان تحقیقات زیادی به بیرون داده شده که نشان داده‌اند در این سخته‌ها می‌باید کاسه سر برداشته شود، بعد از اینکه تورم بین سه تا چهارماه کم تر شد، قسمت برداشته شده گذاشته می‌شود. اینها تحقیقاتی هستند که ابتدا در آلمان شروع شدند و معیارهای جهانی را تحت تأثیر قرار دادند."

کودکان هم دچار سکته می شوند

متوسط سن سکته مغزی در مردان تقریباً ۷۰ و در زنان تقریباً ۷۵ است. اما امکان دارد که کودکان و نوجوانان نیز سکته مغزی کنند. بر اساس تخمین‌ها ۲۰۰ نفر در سال که یک سوم آن‌ها نوزاد هستند. حتی جنین‌های متولد نشده هم می‌تواند سکته کنند. اغلب این سکته‌ها تشخیص داده نمی‌شوند، زیرا که پزشکان، کودکان را با سکته به طور مستقیم ارتباط نمی‌دهند.

در بیماران کم سن به علت اشکال در متابولیسم این اتفاق روی می‌دهد، یک بیماری خود ایمنی به عنوان دلیل اصلی این مشکل مطرح است و یا دلایل ارثی مانند گرایش بالای بدن به لخته کردن خون. صدمه‌های احتمالی به مغز کودکان اغلب بعد از چند ماه و یا در مواردی حتی بعد از چند سال مشخص می‌شوند.

یک راهنما باید بیمار را حمایت کند

هر سکته مغزی می‌تواند یک شکاف عمیق در زندگی فرد ایجاد کند و درمان می‌تواند خسته‌کننده باشد. در بدترین حالت بیماران فلج می‌شوند، قدرت تکلم را از دست می‌دهند و یک شبه به مراقبت احتیاج پیدا می‌کنند و دیگر قادر نخواهند بود که کارهای شخصی خود را انجام دهند. اما آن‌هایی که به این شدت آسیب ندیده اند باید راه خود را پیدا، تغذیه خود را عوض و ورزش کنند و حتی المقدور از استرس دوری کنند.

در شهر «گوترسلوه» یک راهنمای سکته مغزی به شما کمک می‌کند. یک سال است که «آنکه زیبدارت» مشغول به خدمت است. او (از قول بیماران) می‌گوید: "چه اتفاقی الان می‌افتد؟ چه در انتظار من است؟ من چه کاری می‌توانم بکنم؟ چطور پیش خواهد رفت؟". او که قبلاً شغل کاردرمانی داشته می‌داند سوالات و شک و تردیدهای زیادی وجود دارند. او در سمت یک راهنمای سکته به سوابق پزشکی بیماران احتیاج دارد و همچنین دوره‌های آموزشی تکمیلی را نیز گذرانده است.

مراقبت از بیمارستان شروع می‌شود، با توانبخشی ادامه پیدا می‌کند و همچنین بعد از آن، این راهنمای ۲۴ ساله برای زمانی بین یک تا یک سال و نیم، مسئولیت ارتباطات بیماران را بر عهده دارد. به گفته او: "امکانات و مراکز زیادی وجود دارند. بیماران اغلب اطلاعاتی ندارند که به چه کسی مراجعه کنند و چه کسی درباره سوالاتی خاص، کارشناس است." هماهنگ کردن دکترها، پرستارها و تراپیست‌ها جزو وظایف اوست. او همچنین به مسائل عملی نیز رسیدگی می‌کند. آیا باید ادعای معلولیت مطرح شود؟ یادرخواست بازنشستگی شود؟ چه تسهیلاتی وجود دارند؟

خانم «آنکه زیبدارت» به بیش از ۴۰ بیمار سکته ای رسیدگی می‌کند. یکی از آنان «دریک فنجاکوب» است. او سه ماه پیش یک پرستار بدست آورده است. او تقریباً یک سکته مغزی خفیف داشته و شانس آورده است که سر، فکرکردن و صحبت کردن او متأثر نشده‌اند. به گفته خودش در مورد وی دست و پای راست او را سکته مغزی درگیر کرده است. او می‌گوید شبیه این است که دست و پای راست من به خواب رفته‌اند اما جز جز نمی‌کنند. آدم حس و قدرت کمتری دارد. در هفته اول با دست راستم نمی‌توانستم اسم خودم را بنویسم. این را دوباره می‌باید یاد می‌گرفتم.

برای او همراهی «آنکه زیبدارت» خیلی مهم و کمک کننده بوده، به گفته خودش انسان توسط این بیماری علیل می‌شود، نمی‌تواند منطقی فکر کند و این بسیار کمک کننده است که کسی در کنار شما وجود دارد، کسی که با شما فکر می‌کند و با شما کار می‌کند.

راهنما قرارها را با دکتر تنظیم می‌کند و مراقب است که بیمار داروهای خود را مصرف کند و دائم کنترل شود، حتی زمانی که او خودش را آماده و سالم حس می‌کند. «آنکه زیبدارت» میدانند که یک سکته مغزی دوم اغلب شدید تر از سکته اول است. «دریک فنجاکوب» به دستور العمل‌ها عمل می‌کند، او با سکته کنار آمده، دچار آسیب دائمی نشده و صدمه جدیدی برایش به وجود نیامده است.

یک تشخیص سریع و درمان سریع و همچنین یک رسیدگی حرفه‌ای بعد از بیماری بسیار مهم می‌باشند. به گفته «آنکه» در این باره هنوز راه درازی در پیش است. او امیدوار است که راهنماهای بیشتری آموزش دیده و به کار گرفته شوند. تاکنون خدمات راهنمایان سکته فقط در «گوترزلوه» و در «درزدن» وجود داشته است. به زودی در هامبورگ نیز یک مرکز راه اندازی خواهد شد.